

درس دوم

رستم و اشکبوس

واژگان

۱- باتوجه به مفهوم ابیات و عبارات زیر، معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) بشد تیر، رهام با **خود** و **گیر**

پاسخ: خود: کلاه خود / گیر: زره، نوعی پوشش جنگی، خفتان

ب) زمین آهنین شد سپهر **آبنوس**

پاسخ: آبنوس: درختی با پوست تیره

ت) ز **قلب** سپاه اندر آشففت توس

پاسخ: قلب: در این جا به معنی مرکز سپاه

ج) **هماوردت** آمد مشو بازجای

پاسخ: هماورد: حریف

بدو روی خندان شوند **انجمن**

چ) گُشانی پیاده شود، همچو من

پاسخ: انجمن: منظور سپاه و لشکر است.

نبینم همی جز **فسوس** و **مزیح**

د) کشانی بدو گفت: با تو **سلیح**

پاسخ: سلحی: مُمال سلاح / فسوس: مسخرگی / مزیح: مُمال مزاح، شوخی

تنی لرز لرزان و رُخ **سندروس**

ذ) کمان را به زه کرد زود اشکبوس

پاسخ: سندروس: صمغی زرد رنگ

س) چو **سوفارش** آمد به پهنای گوش

پاسخ: سوفار: دهانه‌ی تیر، جایی از تیر که چله‌ی کمان را در آن بند کنند.

به گُشتن دهی سر به یکبارگی

ش) گُشانی بدو گفت **بی بارگی**

پاسخ: بی‌بارگی: بدون اسب

معنی اشعار

- ۲- بر او راست خم کرد و چپ کرد راست
خروش از خم چرخ چاچی برخاست
پاسخ: دست راست خود را خم کرده و دست چپ را مستقیم نگه داشت، ناگهان صدایی از کمان برخاست.
- ۳- چو سوفارش آمده به پهنای گوش
ز شاخ گوزنان برآمد خروش
پاسخ: وقتی که دهانه‌ی تیر نزدیک گوش رستم رسید (کمان را تا انتها کشید.) ناگهان صدایی از کمان برخاست.
- ۴- به گرز گران دست بُرد اشکبوس
زمین آهنین شد سپهر آبنوس
پاسخ: اشکبوس گرز سنگین را در دست گرفت، در حالیکه از شدت ضربه‌های او زمین مانند آهن سخت و محکم و آسمان پر از گرد و غبار شده بود. (تیره شد.)
- ۵- قضا گفت گیر و قدر گفت ده
فلک گفت آحسنّت و مه گفت زه
پاسخ: سرنوشت به اشکبوس گفت: تیر را بگیر و تقدیر به رستم گفت: تیر را بزن و آسمان و ماه او را تحسین کردند و آفرین گفتند.
- ۶- تو قلب سپه را به آیین بدار
من اکنون پیاده کنم کارزار
پاسخ: تو مرکز فرماندهی را حفظ و مراقبت کن و من اکنون، پیاده مبارزه خواهم کرد.
- ۷- بشد تیز، رُهام با خود و گبر
همی گرد رزم اندر آمد به ابر
پاسخ: رُهام در حالی که کلاه خود و لباس جنگی به تن داشت به سرعت وارد میدان جنگ شد و از شدت مبارزه گرد و غبار به آسمان رسید. (آسمان تیره و تار شد.)
- ۸- چو بوسید پیکان سر انگشت او
گذر کرد بر مُهره‌ی پشت او
پاسخ: وقتی نوک تیر، انگشت رستم را لمس کرد. (کمان را تا انتها کشید.) تیر، بقدری سرعت داشت که از مهره‌ی پشت اشکبوس عبور کرد.
- ۹- یکی تیر الماس پیکان چو آب
نهاده بر اوچار پرّ عقاب
پاسخ: تیری تیز و برنده مثل الماس که نوک آن را جلا داده و بر آن، چهار پر عقاب قرار داده بود.

درک مطلب و خودآزمایی

۱۰- با توجه به ابیات زیر به سؤالات آن پاسخ دهید.

- (۱) کشانی بدو گفت: با تو سیلیح
نبینم همی جز فسوس و میزح
- (۲) چو نازش به اسب گرمایه دید
کمان را به زه کرد و اندر کشید

- ۳) چو سوفارش آمدبه پهناى گوش
 ۴) به گرزِ گران دست برد اشکبوس
 ۵) چو رُهام گشت از کشانى ستوه
 ۶) مرا مادرم نام مرگ تو کرد
 ۷) تهمتن برآشفت و با توس گفت
 ۸) بدو گفت خندان که نام تو چیست؟
 ۹) پیاده ندیدی که جنگ آورد؟
 ۱۰) به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ
 ۱۱) بر او راست خم کرد و چپ کرد راست
 ۱۲) چو بوسید پیکان سر انگشت اوی
 الف) مفهوم مصراع بیت اول چیست؟
- ز شاخ گوزنان برآمد خروش
 زمین آهنینی شد سپهر آبنوس
 بیچید زو روی و شد سوی کوه
 زمانه مرا پتک ترگ تو کرد
 که رُهام را جام بادهست جفت
 تن بی سرت را که خواهد گریست؟
 سر سرکشان زیر سنگ آورد؟
 سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟
 خروش از خم چرخ چاچی بخاست
 گذر کرد بر مُهره‌ی پشت اوی

پاسخ: مثل این‌که تو برای شوخی و مسخرگی به میدان جنگ آمده‌ای!؟

ب) در بیت سوم صدای کمان به چه چیزی تشبیه شده است؟

پاسخ: در بیت سوم صدای کمان به فریاد و خروش میدان جنگ، تشبیه شده است.

پ) در کدام مصراع و در کدام بیت به ترتیب به کشیده شدن کمان تا حدّ ممکن و سرعت عمل رستم در تیراندازی اشاره شده است؟

پاسخ: مصراع اول بیت دوازدهم «چو بوسید پیکان سرانگشت اوی». در بیت دوازدهم «چو بوسید پیکان سر انگشت اوی / گذر کرد بر مُهره‌ی پشت اوی»

ت) مقصود از مصراع دوم بیت چهارم چیست و در کدام ابیات به ناتوانی رُهام در جنگ اشاره شده است؟

پاسخ: مقصود این است که زمین و آسمان تیره و تار شد و از حالت عادی خارج گردید. در ابیات پنجم و هفتم به ناتوانی رُهام اشاره شده است.

ث) در بیت هشتم اشکبوس به چه مسائلی اشاره می‌کند؟

پاسخ: اشکبوس به مسائل زیر اشاره دارد:

۱- این که می‌خواهد بداند رستم از کدام خانواده است و چه کسی برای او گریه می‌کند و نام او چیست؟

۲- حتمی شمردن مرگ رستم

۳- تضعیف روحیه‌ی رستم و رجزخوانی

ج) در کدام بیت مایه‌ای از طنز و تمسخر وجود دارد؟

پاسخ: بیت‌های اول و هشتم و دهم که عبارتند از:

- | | |
|----------------------------------|------------------------------|
| ۱) کشانی بدو گفت: با تو سیلیح | نبینم همی جز فسوس و میزح |
| ۲) بدو گفت خندان که نام تو چیست؟ | تن بی سرت را که خواهد گریست؟ |
| ۳) به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ | سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟ |

چ) در کدام بیت به کشیده شدن کمان (قبل از پرتاب تیر) اشاره شده است؟ کدام ابیات مفهوم مرگ و نیستی می‌دهد و کدامیک استفهام انکاری است؟

پاسخ: بیت یازدهم:

بر او راست خم کرد و چپ کرد راست
خروش از خم چرخ چاچی بخاست
ابیات ششم و هشتم و نهم، بیانگر مرگ و نیستی و بیت نهم و دهم استفهام انکاری هستند.

- | | |
|-------------------------------|------------------------------|
| بدو گفت خندان که نام تو چیست؟ | تن بی سرت را که خواهد گریست؟ |
| مرا مادرم نام مرگ تو کرد | زمانه مرا پتک ترگ تو کرد |
| پیاده ندیدی که جنگ آورد؟ | سر سرکشان زیر سنگ آورد؟ |
| به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ | سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟ |

۱۱- در بیت «قضا گفت گیر و قدر گفت ده/فلک گفت آحسننت و مه گفت زه» شنونده‌ی «گفت» چه کسانی هستند؟

پاسخ: «گفت» (۱) شنونده‌اش اشکبوس و «گفت» (۲) ، (۳) و (۴) شنونده‌اش رستم است.

آرایه‌های ادبی

۱۲- آرایه‌های هر بیت را در مقابلش بنویسید.

الف) به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ
سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟

پاسخ: شیر و نهنگ و پلنگ: مراعات نظیر هستند و هر یک می‌توانند استعاره از یک جنگجو و یا مبارز باشند.

ب) قضا گفت گیر و قدر گفت ده
فلک گفت آحسننت و مه گفت زه

پاسخ: قضا گفت: تشخیص دارد. واج آرایی در صامت /گ/ دارد.

تاریخ ادبیات

۱۳- حماسه بر چند نوع است؟ نام ببرید.

پاسخ: حماسه بر دو نوع است: (۱) حماسه طبیعی (۲) حماسه مصنوع

۱۴- حماسه طبیعی را تعریف کنید.

پاسخ: این نوع حماسه از زمانهای دور به صورت شفاهی در بین ملّتها وجود داشته و سینه به سینه و نسل به نسل نقل شده و بعدها به شکل مکتوب و اغلب به صورت شعر در آمده است.

۱۵- حماسه مصنوع چه ویژگی‌هایی دارد؟ آنها را بنویسید.

پاسخ: این نوع حماسه، تقلیدی از حماسه‌ی طبیعی است. که همه‌ی افراد یک قوم یا ملّت دخالت ندارند بلکه فقط یک نفر (شاعر) آن را می‌سراید.